

## نظریه مصلحت در اندیشه امام خمینی (قدس سره)

دکتر مریم ابن تراب\*

افسانه عراقی نسب\*\*

### چکیده

در فقه شیعه «مصلحت»، از مهم‌ترین ویژگی‌های تصمیم‌گیری رهبری مشروع حکومت اسلامی است. بنابراین رهبران حکومت همواره باید در همه قانونگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، چگونگی اجرای قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و ... مصلحت جامعه اسلامی را مدنظر خود ساخته و از قلمرو آن یا فراتر نهند. امام خمینی (ره) در مورد رابطه ولایت فقیه و مصلحت طرحی نو در انداخت و از منظر امام خمینی (قدس سره) مصلحت به معنای منافعی است که به جامعه اسلامی برمی‌گردد و گستره وسیعی دارد به گونه‌ای که منافع دنیوی و اخروی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد.

مصلحت در فقه سیاسی شیعه از مفاهیم کلیدی و راهگشاست. هدف از این پژوهش آشنایی بیشتر با دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره شریف) در مورد «مصلحت‌اندیشی» است.

در تاریخ فقه شیعه ایشان نخستین فقیه‌ای است که موفق به تشکیل دولت شد و آرای سیاسی حضرت امام در لزوم تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت، او را به عنوان برجسته‌ترین نیروی مذهبی نهضت اسلامی شیعه شاخص ساخته است. ایشان مصلحت دین و مردم را به هم پیوند می‌زند به گونه‌ای که تأکید بر ولایت به نفعی مردم و تأکید بر مردم به نفعی ولایت نمی‌انجامد. حضرت امام با تأسیس مجمع تشخیص مصلحت‌نظام در کنار نهاد شورای نگهبان بلکه فراتر از شورای نگهبان نشان دادند که مصلحت لزوماً از نصوص و احکام اولیه

\* استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

\*\* دانشجوی کارشناسی‌ارشد فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.



و چارچوب احکام فرعیه شرعیه قابل استنتاج نیست بلکه گاه ممکن است مصلحت گذرا از احکام فرعیه شرعیه باشد و به عبارت دیگر برای «عقل» در کنار «نقل» جایگاه ویژه‌ای قابل شده و آن را منبع و مرجع تشخیص مصلحت قرار داد.

## واژگان کلیدی

مصلحت، احکام شرعی، استنباط احکام، احکام حکومتی، تعارض، تراحم، ولایت‌فقیه، فقه سیاسی شیعه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## زمان و مکان از منابع تشخیص مصلحت در دیدگاه فقهی حضرت امام خمینی (ره)

شناخت مقتضیات زمان و توجه به جایگاه زمان و مکان در اجتهاد یکی از مسائلی است که در استنباطات فقهی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

اصولاً ضرورت وجود مجتهدان آگاه به زمان در هر عصر و ضرورت تقلید از مجتهد زنده از همین موضوع ناشی می‌شود. زیرا اجتهاد براساس دو پیش‌نیاز اساسی بنا شده است.

- ۱- شناخت حکم که لازمه آن آگاهی به قرآن، سنت، اجماع و عقل است.
- ۲- شناخت موضوعات که احکام بر آنها منطبق می‌شود.

هر اندازه کارشناس مسائل اسلامی به مقتضیات زمان آگاهی داشته باشد می‌تواند منشأ تأثیرات مثبت و شگرف در صحنه اجتماع باشد و شاید بتوان ادعا کرد که از همان زمانی که فرشیان از وحی محروم گشتند و نبوت ختم شده مقتضیات زمان پایه عرصه گذاشت تا زمانی که ارتباط انسان‌ها با خدا به وسیله وحی برقرار بود انسان‌ها در برخورد با مشکلات مستقیماً از کوثر وحی سیراب می‌شدند. این حضرات (ع) نیز براساس مصلحت عمل می‌فرمودند. و مقتضیات زمان را در نظر می‌گرفتند.

زیرا پس از قطع کلام مستقیم خدا در ارتباط با پدیده‌ها و تحولات جامعه راهی جز به کارگیری قوه فهم و استنباط از وحی باقی نماند. امام خمینی (ره) که خود فقیه‌ی آگاه به زمان بودند و علاوه بر سیره عملی ایشان در تأسیس حکومت اسلامی بارها در گفتار خویش بر این ضرورت انگشت تأکید می‌گذاشتند و می‌فرمودند:

زمان و مکان در اجتهاد تأثیر دارند و چه‌بسا که با گذشت زمان موضوعات تغییر کنند و حکم جدیدی را بطلبند لذا مجتهد باید احاطه کامل به مسائل زمان خود داشته باشد. اما در ارتباط با نقش زمان و مکان در اجتهاد می‌فرمودند: زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند و مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند بدین معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که حکم جدیدی را می‌طلبد و مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد.<sup>۱</sup>

از اینرو باید گفت بنای عقلا و مسائل عرفی هر جامعه در محدوده همان جامعه و همان زمان و مکان قابل استناد است و چنانکه آشکار است بنای عقلا و مسائل عرفی در هر جامعه دلیل لیبی است نه لفظی و از اینرو مآخذ عموم و اطلاق است.<sup>۲</sup>

امام راحل از آن جهت که فقیه‌ی عمل‌گرا بود و در کوران حوادث هم در جهت پیروزی انقلاب و هم پس از پیروزی انقلاب در سامان‌دهی حکومت و تدوین قوانین برای اداره جامعه از نزدیک نقش هدایت و رهبری جامعه را بر عهده داشت بیش از همه بر این ضرورت مهم تأکید می‌ورزیدند و از فقها

۱. امام‌خمینی، صحیفه نور، ج ۲۵، ص ۲۵۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم.

۲. ر.ک. امام خمینی، انوار الهدایه، ج ۱، ص ۲۵۱، تهران.

و مجتهدین حوزه‌های علمیه می‌خواستند که خود را به علوم روز مجهز کنند و نیازهای زمان خود و جامعه خود را بشناسند ایشان می‌فرمودند: یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست، یک فرد اگر اعلم در علوم حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست بگیرد.<sup>۱</sup>

### دیدگاه امام خمینی درباره ولایت فقیه

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه بر سیره پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند و آن را دلیلی بر ضرورت حکومت ولایت فقیه می‌داند و بیان می‌کنند که پیامبر خودشان حکومت را تشکیل دادند و تاریخ گواه معنای حکومت است نه مقام معنوی و حکومت تمام معنای سیاست است. اما راحل در اواخر زندگی خویش ولایت مطلقه فقیه را مطرح کردند و این نتیجه به کارگیری عنصر «مصلحت» در احکام حکومتی، به عنوان حکم اولیه شرعی در چارچوب نظام بود و در این مرحله مصلحت نظام فراتر از نماز و روزه و حج قرار می‌گرفت و حکومت با امکان خروج از چارچوب احکام شرعی اولیه و ثانویه این امکان را می‌یافت که با صدور احکام حکومتی راهکارهای جدیدی را برای خروج از مشکلات فراروی خود بیابد و قلمرو ولایت با این وسعت را نمی‌توان به فقیهان گذشته نسبت داد زیرا با توجه به دور بودن از حکومت و سیاست اصولاً با چنین مشکلاتی روبرو نبوده‌اند. چنانکه برخی از فقها حتی آنان که در زمان غیبت به ولایت فقیه اعتقاد دارند، دامنه اختیارات ولی فقیه را در زمینه اجرایی و حکومتی تا این حد گسترده نمی‌دانند و چون امر حکومت را امر مردم می‌دانند که به ولی فقیه واگذار شده است دامنه اختیارات وی را تا آنجا و تا آن زمان می‌دانند که ملت به وی این اختیارات را داده اند. امام خمینی در نامه‌ای به آیه‌الله خامنه‌ای که در آن زمان امام جمعه تهران بودند می‌نویسند:

حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله است مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است، حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش برگرداند، حکومت می‌تواند قراردادهایی شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که این قراردادها مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک‌جانبه لغو کند.

و ولایت مطلقه فقیه یکی از ارکان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و سپس به تصویب ملت هم رسید.

مهم‌ترین نکته که می‌توان با استناد به اندیشه‌های دیگر امام بر شمرد آن است که حضرتشان ولایت مطلقه را به معنی ولایت صدور حکم حکومتی آن هم بر مدار مصالح عمومی دانند؛ یعنی مرز ولایت مطلقه مفهوم مصلحت است. مثلاً از امام می‌خوانیم که اگر بگوییم امام معصوم راجع به طلاق همسر

یک مرد یا فروختن و گرفتن مال او - گرچه مصلحت عمومی هم اقتضا نکند ولایت دارد. این دیگر در مورد فقیه صادق نیست و او در این مورد ولایت ندارد.<sup>۱</sup>

## مصلحت و احکام حکومتی از نگاه امام راحل

امام خمینی احیاگر اندیشه ولایت فقیه و حکومت اسلامی و معمار انقلاب اسلامی از طرفی با برپایی انقلاب اسلامی و مبارزه بی‌امان علیه رژیم منحوس شاهنشاهی کوشید تا الگوی حکومت اسلامی را بازشناسد. عنصر مصلحت در زمره موضوعاتی است که سهم اساسی و جایگاه ویژه‌ای در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی دارد و مصلحت از منظر ایشان مبنا و منشأ صدور احکام حکومتی است و ولی امر باید هم تصمیم‌ها، عزل و نصب‌ها و ... را براساس آن انجام دهد.

از دیدگاه امام خمینی وظیفه پیامبر (ص) علاوه بر پیام‌آوری و تبلیغ احکام الهی و قضاوت میان مردم، زعامت و رهبری جامعه اسلامی و حفظ مصلحت امت اسلامی است و رشد و بالندگی آن در گروه احکامی است که وی نه به عنوان مبلغ دین خدا و نه به عنوان قاضی، صادر می‌کند و ائمه معصومین (علیهم السلام) سمت‌های او را به ارث می‌برند و پس از آنان وظیفه فقهای جامع‌الشرایط دو منصب اخیر، یعنی قضاوت و رهبری است که براساس روایات مختلف، آن را دارا می‌باشند و در منصب رهبری همه احکام صادر، از سوی آنها باید برخاسته از مصلحت‌ها باشد.<sup>۲</sup>

از منظر امام از مسائلی که باید رهبر و حاکم به آن توجه کند، به تحقق رساندن مصالح امت می‌باشد. حکومت‌ها باید بر طبق امیال به حق ملت عمل کنند و بر طبق مصالح ملت تصمیم بگیرند.<sup>۳</sup>

از دیدگاه امام خمینی (ره) اسلام چیزی جز حکومت نیست و اجرای احکام اسلامی هدف تبعی برای رسیدن و برپاماندن حکومت است و مطلوبیت ذاتی ندارد «بل یمكن ان یقال: الاسلام هوالحکومه بشؤونها و الاحکام قوانین الاسلام، هی شأن من شؤونها، بل الاحکام مطلوبات بالعرض و اموریه لاجرائها و بسط العداله»<sup>۴</sup>

بدین معنی که حکومت آنقدر اهمیت دارد که نه تنها در اسلام حکومت وجود دارد. بلکه اسلام چیزی جز حکومت نیست و احکام شرح و قوانین اسلامی یکی از شؤون حکومت است. به این ترتیب حاکمیت اسلامی و بسط عدالت مطلوب با لذات و احکام مطلوب بالعرض است که مقصود از آنها اجرای حکومت است.<sup>۵</sup>

اداره چنین حکومتی در عصر غیبت به عهده فقیه جامع‌الشرایط است.

امام خمینی در کتاب البیع قائل به این نظریه‌اند که: حوزه اختیارات ولی فقیه جامع‌الشرایط در اداره

۱. امام خمینی، شوون و اختیارات ولی فقیه، ص ۶۶ تهران. وزارت ارشاد اسلامی. چاپ سوم، ۱۳۶۵  
۲. همو، بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر، ص ۱۰۵ و ۱۲۱. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ پنجم، ۱۳۷۳

۳. همو، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲۶.

۴. همو، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۳۳، اسماعیلیان، ۱۳۶۳

۵. همان، ص ۴۲۷

از دیدگاه امام خمینی (ره) حکومت اسلامی بر مبنای مصلحت استوار است.

امور عمومی، تمام اختیاراتی است که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام (علیه السلام) از جهت ولایت و حکومتشان ثابت است و قائلان به این نظر، بر این باورند که ولی فقیه جامع الشرایط در تمام شؤون حکومت دارای ولایت است به گونه‌ای که از این نظر هیچ گونه تفاوتی میان او و پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) وجود ندارد مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد.<sup>۱</sup>

امام خمینی (ره) تفاوت میان امام (ع) و ولی را در اختیارات حکومتی و سیاسی غیر معقول می‌داند. زیرا «والی هر کس باشد، اجراکننده احکام شریعت و اقامه‌کننده حدود الهی، خراج و مالیات و متصدی مصرف آنها مطابق مصلحت آنان است».<sup>۲</sup> ایشان همچنین معتقدند.

این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) از حضرت امیر (ع) بیشتر بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر بیش از فقیه است باطل و غلط است البته فضایل رسول اکرم (ص) بیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر، لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد.<sup>۳</sup>

لذا از دیدگاه امام (ره) در تمامی اموری که پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) به واسطه حکومتشان بر مردم ولایت داشته‌اند، فقها نیز از جانب امامان (علیهم السلام) در آن امور ولایت دارند از وجود چنین گستره اختیارات وسیع حکومتی در اداره عمومی برای فقیه یا حاکم جامع الشرایط به «ولایت مطلقه فقیه» تعبیر می‌شود. بسیاری از فقها از آن به «ولایت عامه» یاد می‌کنند.

این سخنان حضرت امام به روشنی از دامنه گسترده احکام حکومتی حکایت دارد بدین‌سان که احکام حکومتی می‌تواند در همه زمینه‌های فقهی به گونه‌ای جریان یابد و با برخی از آنها معارض باشد و نیز به فرض عدم تعارض آن با احکام شرعی، از آنجا که احکام حکومتی نشأت گرفته از مصلحت‌هاست، در بسیاری از موضوعات مصلحت‌های ناسازگار با همدیگر رخ می‌نماید و همان‌گونه که وضع یک قانون دربردارنده مصلحت است ترک آن و یا وضع قانون مخالف با آن نیز مصلحت دارد و امام راحل با این که احکام حکومتی را مقدم بر سایر احکام می‌شمارد، بر عدم مخالفت آنها با احکام شرعی تاکید می‌ورزد زیرا همه احکام شرعی بر طبق مبنای عدلیه، برخاسته از مصلحت‌ها و مفسده‌هاست و مخالفت با هر یک از آنها در واقع افتادن به ورطه هلاکت است. از سویی مصالح عمومی جامعه اسلامی همواره به سوی پیشرفت فزاینده گام بر می‌دارد و این امر به چگونگی تصمیمات و احکام حکومتی بستگی دارد، بنابراین باید اولاً؛ ماهیت این تناقض و ناسازگاری روشن شود و ثانیاً با تعیین ضوابطی، چارچوب دقیق و ملاک تقدیم مصلحت‌ها بر یکدیگر و بر احکام شرعی معین گردد.

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۸۹، مشهد، مؤسسه الامام صاحب‌الزمان، ۱۴۱۹

۲. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۲۶۷

۳. همو، ولایت فقیه، ص ۴۰۳

## نظر حضرت امام درباره تزام حکم حکومتی

تعارض در علم اصول به این معناست که دو دلیل ناسازگار، یکدیگر را تکذیب کنند به این ترتیب در مقام تقنین و استنباط، فقیه با دو حدیث معتبر مواجه می‌شود که مفهوم آن دو به هیچ وجه آشتی‌پذیر نیست، به همین دلیل یکی از آنها حجت نیست، از اینرو یکی از آن دو و یا هر دوی آنها باید کنار گذاشته شود.<sup>۱</sup>

تزام به این معناست که دو حکم که در صحت آنها تردیدی نیست در مقام امتثال و فرمان‌برداری چنان هستند که مکلف نمی‌تواند به هر دو عمل کند و ناگزیر باید یکی از آن دو را ترک کرد. تعارض در مرحله تشریح و قانونگذاری است و تزام در مرحله امتثال و اجراست اصولیان معتقدند هرگاه دو حکم با هم تزام داشت باید به قاعده اهم و مهم مراجعه کرد لذا باید اهم را مقدم دانست و مهم را در آستان آن قربانی کرد.<sup>۲</sup>

مخالفت احکام حکومتی یا یکدیگر و با احکام شرعی از نوع تزام است نه تعارض زیرا به عنوان مثال در فرض ناسازگار بودن حج یا مالکیت خصوصی با حکم حکومتی برگرفته از یک مصلحت، هم حج و مالکیت خصوصی درست است و اعتبار دارد و هم حکم حکومتی، لیکن با یکدیگر در مقام اجرا و امتثال آشتی‌ناپذیر و ناسازگارند، به ناچار از یکی از آنها باید چشم پوشید و آن جز حکم و یا مصلحت مهم نمی‌تواند باشد. احکام حکومتی بر طبق مبنای امام خمینی از احکام اولیه است و ایشان حکومت را شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) می‌داند که مقدم بر تمام احکام فرعیه می‌باشد.<sup>۳</sup>

امام خمینی در کتاب الرسائل درباره تزام دو واجب می‌نویسد: هرگاه دو واجب با هم تزام داشته باشند اگر مصلحت آنها مساوی باشد انسان مخیر است و می‌تواند هر یک از آنها را که بخواهد انجام دهد، لیکن هرگاه یکی مهم‌تر باشد لازم است آن را فرمانبرداری کند و اگر آن را ترک کند و به استقبال مهم رود، در ترک اهم معذور نیست، برخلاف ترک مهم که عذر او در درگاه الهی پذیرفته است.<sup>۴</sup> لذا می‌توان گفت که اصل اهم و مهم در گزینش مصلحت‌ها و تقدم احکام حکومتی بر احکام شرعی اهمیت ویژه‌ای دارد و از نگاه امام (ره) اصل اهم و مهم از اصلی‌ترین ضوابط احکام حکومتی است و رهبری جامعه اسلامی باید این اصل را از هرگونه تأثر از هوای نفس و یا منافع خویشان و قشر و گروه خاصی مورد عنایت قرار داده و از آن غفلت نکند.

امام راحل درباره احترام و اعتبار مالکیت شخصی آنگاه که با مصالح عمومی تزام پیدا کند می‌نویسد: اسلام این‌طور اموال را به رسمیت نمی‌شناسد و در اسلام اموال، مشروع و محدود به حدودی است و زاید بر این معنا اگر فرض بکنیم که یکی کسی اموالی هم دارد، اموالش هم مشروع است لکن اموال طوری

۱. محمد رضا مظفر، اصول فقه، ج ۲، ص ۲۱۴، ج ۱، ص ۳۳۱، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ق

۲. همان

۳. امام خمینی، الرسائل التعداد و التراجیح، ج ۱۹، ص ۱۷۰

۴. همو، تهذیب الاحوال، ج ۱، ص ۲۴۷ و ۲۴۵، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا

است که حاکم شرع، فقیه و ولی امر تشخیص داد که نباید اموال این قدر باشد، برای مصالح مسلمین می‌تواند آن اموال را مصادره و تصرف کند و تحدید این امور از وظایف ولایت فقیه است. مالکیت را در عین حالی که شارع مقدس محترم شمرده است لیکن ولی امر می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف مسلمین و اسلام است محدودش کند.<sup>۱</sup>

اصل اهم و مهم در دیدگاه امام خمینی از جایگاه بسیار با اهمیتی برخوردار است زیرا کلید حل تناقض احکام حکومتی با یکدیگر و احکام حکومتی با احکام شرعی است.

### اهم مصالح از نگاه حضرت امام خمینی(ره)

حفظ اسلام و نظام اسلامی اهم مصلحت‌هایی است که رهبران حکومت اسلامی باید در تصمیم‌گیری‌ها، فرمان‌ها در مقام اجرا و قانونگذاری آن را همیشه مدنظر خود قرار دهند: شهید مطهری (قدس سره) نیز تأکید دارد که سکوت دردمندانه علی (ع) در برابر خلقای سه‌گانه و تغییر رفتارش در مواجهه با معاویه به دلیل مراعات مصلحت اصل اسلام و نظام اسلامی بود همان‌طور که صلح امام حسن و رستاخیز عظیم حسینی در کربلا این‌گونه بوده آن شهید فرزانه در این‌باره می‌نویسد:

«چرا امام حسن صلح کرد؟ یا چرا امام حسین صلح نکرد؟ چرا علی بن ابیطالب در زمان خلافت ابوبکر و عمر قیام نکرد؟ ولی بعد از عثمان که آمدند با او بیعت کردند محکم ایستاد در صورتی که در نظر علی بین ابی‌طالب همان‌طوری که ابوبکر غاصب بود معاویه هم غاصب بود و آنچه از نظر اسلام اصالت دارد حفظ حوزه اسلام باید بشود و این بر هر اقدام دیگری مقدم است و همان‌گونه که حضرت برای به کرسی نشاندن این مقصود در خانه نشست و مظلومانه شکیبایی گزید، برای اعتلای همین هدف مقدس شمشیر بر روی معاویه کشید و فرزندانش امام حسن و حسین (علیها السلام) نیز همین روش را داشتند.»

امام راحل چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از پیروزی آن تأکید داشتند که حفظ کیان اسلامی و اصل دین از اهم واجبات است و هرگاه اصل اسلام به خطر افتد جان‌ها باید فدا شود و مسلمانان مکلفند اسلام را حفظ کنند.<sup>۲</sup> ایشان می‌فرمایند: همه موظفیم مصالح اسلام را حفظ کنیم و از آنجا که حفظ نظام اسلامی از مهمترین فرایض است هرگاه در مقام عمل تراحمی میان آن و دیگر احکام شرعی قرار گیرد باید آن احکام را در آستان آن قربانی کرد. در این راستا ایشان ابراز داشتند که حکومت یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمامی احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است، حکومت می‌تواند قراردادهایی شرعی که خود با مردم بسته است در موقعی که قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یکجانبه لغو نماید.<sup>۳</sup>

از آنجایی که حکومت اسلامی، حکومتی است که بنیاد آن بر پایه قوانین الهی استوار شده است و

۱. همو، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۲۸ و ر. ک: البیع، ج ۳، ص ۴۳، ص ۵۹، ص ۶۱، ص ۷۷

۲. همو، حکومت اسلامی، ص ۷۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱

۳. همو، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۱-۱۷۰



فلسفه وجودی آن اجرای عدالت و احکام اسلامی است به همین علت یکی از محورها و ضوابط احکام حکومتی در نظر گرفتن احکام اسلامی است و از نگاه حضرت امام مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت اسلامی آن است که قوانین آن اسلامی باشد. در حقیقت حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت کاملاً قانونی است و رهبر و مسؤولان حکومت باید از هرگونه استبداد به رأی اجتناب ورزند و از چارچوب قانون الهی پا فراتر نهند و در همه تصمیمات و اعمال حکومتی خود از قانون الهی الهام گیرند و در پرتو نور هدایت‌بخش آن حرکت کنند.

بنابراین زمامداران و سرپرستان جامعه در آن حق خودگامگی و استبداد رأی ندارند و همه برنامه‌هایی که در راستای رفع نیازهای جامعه و مردم به اجرا در می‌آید براساس قانون الهی است و این اصل حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متولیان امور حکومت نیز جاری است.<sup>۱</sup> در اندیشه امام احکام حکومتی فقیه، احکامی است که زمینه تحقق عینی قوانین الهی را فراهم می‌آورد و به طور مستقیم آنها را به مرحله اجرا و عمل می‌رساند.

در حکومت اسلامی ولایت فقیه باید تمام قانون‌ها و فرمان‌ها و عزل و نصب‌ها را در حوزه ارزش‌های اسلامی و احکام شریعت اسلامی به مرحله عمل در آورد، بر این اساس امام راحل به تأسیس نهاد شورای نگهبان اقدام نمودند که وظیفه پاسداری از اصل بالا را بر عهده دارد. چنانچه در اصل هفتاد و دوم چنین آمده است.

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و شش آمده است بر عهده شورای نگهبان است.<sup>۲</sup>

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورا با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.<sup>۳</sup> حضرت امام در تحقق این اصل مهم بسیار کوشیدند و پافشاری نمودند.

### ضوابط تشخیص مصلحت از نگاه امام خمینی(ره)

مصلحت از دید امام خمینی دو ضابطه دارد: یکی آنکه مخالف احکام شرع نباشد و دیگر آنکه اهم و مهم در آن مراعات شده باشد.

شورای نگهبان برای نظارت بر ضابطه اول فعالیت می‌نماید و موظف است با قاطعیت از وضع هرگونه قانونی که مخالف احکام شرعی باشد جلوگیری نماید و مجمع تشخیص نظام نهادی است که امام امت آن را تأسیس کرده و جایگاه آن را در قانون اساسی تعیین نموده است تا مصداق اهم و مهم را تعیین کند و مصلحت‌اندیشی لازم را جهت حفظ ارزش‌های اسلامی بنماید. زیرا ایشان معتقد بودند که

۱. همو، البیع، ج ۲، ص ۴۶۱

۲. قانون اساسی، اصل چهارم، ص ۴۹

۳. همان، ص ۵۸

مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاه غفلت از آن موجب شکست اسلام می‌گردد.<sup>۱</sup> امام خمینی (ره) تأکید داشتند که در تشخیص مصلحت‌ها مراجعه به متخصصان و آگاهان موضوع ضروری است زیرا ایشان سیره عقلا را حجت می‌دانستند و از طرفی یکی از سیره‌های عقلا را که به طور حتم از سوی شارع امضا شده است رجوع به متخصصان می‌داند و این دلیل رجوع مقلدین به مجتهدین آگاه می‌باشد زیرا در استنباط احکام شرعی باید به آنها مراجعه شود.<sup>۲</sup> دولت و مجلس به عنوان خبرگان و کارشناسان تشخیص مصالح به شمار می‌آیند. و شورای نگهبان بر مطابقت مصوبات مجلس با قانون اساسی و احکام شرعی نظارت می‌کند و مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرجعی است جهت تشخیص مصلحت نظام در مواردی که بین مجلس و شورای نگهبان بر سر ضرورت مصلحت نظام یا لزوم مطابقت قوانین با شرع و قانون اساسی اختلاف ایجاد می‌گردد تشکیل می‌شود.<sup>۳</sup>

ضمن اینکه محدودیت اختیارات مجمع در این خصوص ظاهراً مورد توجه شورای نگهبان نیز می‌باشد تا آنجا که در یک نظر تفسیری اعلام می‌دارد که مجمع تشخیص مصلحت نمی‌تواند به تنهایی در مواد قانونی مصوبه خود تجدیدنظر کند و حتی در مقام و تفسیق مصوبه خود نمی‌تواند به طور مستقل اقدام کند.

### نتیجه یا یافته‌های پژوهش

مسئله مصلحت از منظر امام خمینی (ره) به گونه‌ای جامع‌تر از علمای قبل مطرح شده است و حضرت امام خمینی (ره) به طور روشن و به صراحت مصلحت را مبنای صدور احکام حکومتی می‌داند و به اعتقاد ایشان زعامت و رهبری سیاسی جامعه اسلامی در زمان غیبت حضرت حجت (عج) از مناصب و تکالیف ولی‌فقیه است و باید احکامی را برای اداره جامعه طراحی و چاره‌اندیشی کند که مصالح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را تأمین نماید ضمن اینکه باید تلاش کند که این مصالح با احکام شرعی مخالفتی نداشته باشد. از آنجایی که احکام شرعی برای حکومت اسلامی وسیله بسط عدالت و گسترش آن است، یکی از لوازم مؤثر در راستای عدالت گستری اصل ولایت فقیه است زیرا ولایت فقیه دنباله‌رو ولایت مطلقه الهی است که با بهره‌گیری از سیره عقلانی براساس تشخیص اهم مصلحت‌ها حکم حکومتی را بر حکم شرعی مقدم می‌دارد و از آنجا که احکام شرعی دایر مدار جلب مصالح و دفع مفاسد است ولی فقیه هم که می‌خواهد دین خدا را اجرا کند و جامعه اسلامی را زعامت نماید جایز نیست خارج از مصالح حکمی را صادر نماید. حضرت امام خمینی (ره) از فقیهانی هستند که به منظور اجرای احکام اسلامی و ایجاد و بسط عدالت اجتماعی توجه ویژه‌ای به تشکیل حکومت اسلامی داشتند.

۱. همو، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷۶

۲. همو، الرسال، ج ۲، ص ۹۵ و ص ۹۶

۳. اصل یکصد دوازدهم قانون اساسی

## منابع و مأخذ

۱. اصل یکصد دوازدهم قانون اساسی
۲. امام خمینی، البیع، ج ۲، ص ۴۶۱
۳. -----، الرسائل المتبادل و التراجم، ج ۱۹، ص ۱۷۰
۴. -----، الرسائل، ج ۲، ص ۹۵ و ص ۹۶
۵. -----، انوار الهدایه، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی راه نشر ۱۴۱۳. ۱۳۷۲
۶. -----، بدائع الدرر، فی قاعده نفی الضرر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵ ق، ۱۳۷۳، ص ۱۰۵، ص ۱۲۱
۷. -----، تهذیب الاصول، ج ۱، قم مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا ص ۲۴۷ و ص ۲۴۵
۸. -----، حکومت اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۷۸
۹. -----، شوون و اختیارات ولی فقیه، ناشر: وزارت ارشاد اسلامی، سال نشر: ۱۳۶۵، ص ۶۶
۱۰. -----، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ
۱۱. -----، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۳۸ و ر. ک: البیع، ج ۳، ص ۴۳، ص ۵۹، ص ۶۱ ص ۷۷
۱۲. -----، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲۶
۱۳. -----، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷۶
۱۴. -----، صحیفه نور، ج ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۰، ص ۲۸۹
۱۵. -----، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۱-۱۷۰
۱۶. -----، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۵۱
۱۷. -----، صحیفه نور، ج ۴، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال نشر ۱۳۷۰، ص ۳۳۴
۱۸. -----، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۹. -----، کتاب البیع، ج ۲، اسماعیلیان ۱۳۷۹-۱۳۶۸، قم، ص ۶۲۶
۲۰. -----، کتاب البیع، ج ۲، اسماعیلیان، ۱۳۶۳، ص ۶۳۳
۲۱. -----، کتاب البیع، ج ۲، ص ۲۶۷
۲۲. -----، ولایت فقیه، ص ۴۰۳
۲۳. -----، ولایت فقیه، ص ۸۳ و ص ۸۴
۲۴. -----، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سال نشر ۱۳۷۳، ص ۵۰ و ۵۴
۲۵. سید کاظم حائری، اساس الحکومه الاسلامیه، قم، انتشارات دارالاسلامیه، ص ۱۸۶ و ص ۱۸۸
۲۶. قانون اساسی، اصل چهارم، ص ۴۹
۲۷. کلیایکانی، ضروره وجود الحکومه الاسلامی فی عصر الغیبه، سبزواری - الهدایه الی من له الولایه، ص ۴۷
۲۸. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۲۱۴ و ج ۱، ص ۲۲۱
۲۹. نجفی، جواهر الکلام، مؤسسه الامام صاحب الزمان سال ۱۴۱۹، محل نشر مشهد



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

